

با این تصویر، سهم تولید فولاد کرمان از کشور چه میزان است؟

از ۲۸ میلیون تن کنسنتره که کرمان تولید میکند حدود ۱۴ یا ۱۵ میلیون تن فولاد تولید خواهد شد، حالا اگر ۵۵ میلیون تن فولاد در نظر گرفته شده در افق ۱۴۰۴ را در نظر داشته باشیم و بگوییم از این چشم انداز هم ۴۰ یا ۴۲ میلیون تن آن محقق می شود، تقریباً یک سوم آن یعنی ۳۳ درصد فولاد کشور به کرمانی تعلق خواهد داشت که ۴۵ درصد معادن کشور را در خود دارد. بر این اساس آنچه تاکنون شاهد آن بوده ایم بسیار کمتر از استحقاق کرمان است.

چه وضعیتی در بخش ها و خدمات مرتبط با صنعت فولاد داریم؟

در سایر بخش های مرتبط با صنعت فولاد هم، ضعف ها و نقایصی داریم. متأسفانه باید بگوییم در کرمان یک شرکت فولادی مهندسی مشاور و تعمیر و ساخت نداریم در حالی که به بیش از ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار قطعه در این صنعت نیاز داریم و تولید قطعه مورد نیاز در کرمان در حد صفر است. شرکت های تولید مواد اولیه، شرکت های پشتیبانی فنی و نگهداری ماشین آلات، پیمانکاری و مشاوره هم در کرمان نداریم. با این وضعیت در صنعتی که قرار است ۳۳ درصد تولید ملی بر عهده ما باشد روبرو هستیم که باید همزمان با پیشبرد طرح ها و توسعه صنعت فولاد به آن توجه شود.

کرمان در اطلس ملی فولاد چه شرايطی دارد؟

اگر روی اطلس ملی فولاد نگاه کنید می بینید که کرمان ۴۵ درصدی، چند شرکت فولادی دارد اما در یزد چه میزان است. حتی در صنایع پایین دستی فولاد مانند تولید پروفیل، ورق، مفتول هم متأسفانه در کرمان شرکت های کمی داریم. از ۱۹۱ شرکت ارائه دهنده خدمات فنی مهندسی که در اطلس فولاد وجود دارد ۳۰ درصد آنها در اصفهان به عنوان استانی که یک معدن ندارد، هستند و مابقی هم در تهران. در کرمان متأسفانه یک مورد هم نداریم. صنعت فولاد در کرمان نوپاست، سنگ آهن و یا کنسنتره ای که تولید می شده هم از استان خارج می شده است. استان های دیگر به اتکای منابع کرمان صنعتی و فولادی شده اند اما با روندی که شاهد هستیم از ۱۰ سال دیگر در کرمان، به اندازه اصفهان شرکت های مهندسی فولادی و سازنده قطعات خواهیم داشت.

در حال حاضر صنایع پایین دستی، صنایع تامین کننده و سازنده، شرکت های مهندسی مشاوره EPC، شرکت خدمات تعمیر و نگهداری، شرکت بهره برداری در حوزه های مختلف و شرکت های خدمات پشتیبانی واقعا جایشان در کرمان خالی است.

البته مجموعاً در کل صنعت استان دارای ضعف هستیم.

کل صنایع مادر استان کرمان بیشتر از ۳۰ یا ۴۰ صنعت نیست، اینکه چرا ضعف در کرمان داریم؟ من فکر می کنم قدرت اصفهان، ما را عقب نگه داشته است، حضورشان در وزارتخانه و مراکز تصمیم گیری کشور و وجود ذوب آهن و فولاد مبارکه قدرت چانه زنی آنها را بیشتر کرده است و سال ها به کرمان و گل گهر و زرنده فقط به عنوان تامین کننده خوراک خود نگاه کرده اند و اجازه نداده اند ما تولید کننده شویم که خوشبختانه با بهره برداری از طرح های فولادی این عقب ماندگی در آینده جبران می شود.

به نظر، نیازمند آسیب شناسی این وضعیت هم هستیم؟

درست است. صنعتی شدن اصفهان باعث شد سهم کرمان که پتانسیل فولادی شدن دارد کمتر شود باید این موضوع را آسیب شناسی کرد. نه فقط در صنعت فولاد بلکه در صنایع دیگر مانند مس هم باید آسیب شناسی کنیم. پروژه ای هم در مرکز تحقیقات اتاق کرمان تعریف شده تا علت عدم شکل گیری و یا شکل گیری ناقص صنایع پایین دستی و تامین کننده در کرمان را بررسی کند.

چه تغییر رویکردهایی می توان داشت؟

شرکت های بزرگ استان در حال حاضر خصوصی هستند و سیاست آنها را سهامداران و هیات مدیره شرکت ها مشخص می کنند و می توانند از شرکت های نوپا و جوان حمایت کنند و زمینه رشد شرکت های جدید را فراهم کنند.

ضعف بعدی را در دانشگاه می بینیم. دانشگاه های اصفهان نقش موثری در شکل گیری شرکت های اصفهان دارند، ارتباط محکمی هم با صنایع اصفهان دارند و در واقع تا حدی بیشتر توانسته اند کار آفرین پرورش دهند در حالی که دانشگاه های کرمان کارمند فارغ التحصیل خروجی شان است. در کرمان چند دانشگاه دولتی داریم اما خروجی این ها و عایدی شان برای صنعت استان چیست؟

بحث کارآموزی باید جدی تلقی شود. قراردادی باید بین دانشگاه و صنعت استان بسته شود و فارغ التحصیلانی که کارآموز بخش صنعت و تولید هستند را شاهد باشیم.

موضوع دیگر اینکه، برداشت غلطی وجود دارد به نام بومی گرایی و هر چه شهرها کوچکتر می شوند این بحث بومی گرایی بیشتر می شود. به نظر من این به غلط تفسیر شده است، اگر بگوییم بومی گرایی خوب است از خودمان بپرسیم که چرا کشور آمریکا که پیشرفته ترین کشور در صنعت است و با کشورهای اروپایی این همه از نیروی غیربومی از ملیت های مختلف استفاده می کنند؟ بیش از تاکید بر بومی گرایی باید بر خلاقیت و کارایی تاکید کنیم.

چه راه حلی وجود دارد که هم مساله بومی گرایی حل شود و هم صنایع متضرر نشوند؟

راه حل داریم. برای اینکه بحث بومی گرایی حل شود و صنایع هم آسیب نبینند، بومی گرایی را باید درست تعریف کرد، بومی گرایی به این معنی نیست که هر بومی را در هر جایی و به هر قیمتی استخدام کرد. به جای این، مثلاً شرکت گل گهر موظف است به عنوان مسئولیت اجتماعی خود، زمینه ای فراهم کند که ۱۰ یا ۲۰ شرکت بومی تامین کننده خدمات پایین دستی با حضور مهندسان خلاق و کار آفرین، شکل بگیرد و راه بیفتد و آنها علاوه بر تامین نیازهای فنی و خدماتی گل گهر به جذب نیروی متقاضی کار شهرستان و استان اقدام کنند.

سرمایه گذاری در صنعت فولاد استان چه وضعیتی دارد؟

سرمایه گذاری در شرکت های فولادی، سرمایه گذاری سنگینی است. اکنون مجموع ارزش پروژه هایی که در طرح جامع گل گهر در سال ۹۸ دیده شده، ۲۰ میلیون تن گندله، ۲۰ میلیون تن کنسنتره و ۵ میلیون تن فولاد است و حدوداً ۲۰ هزار میلیارد تومان ارزش کل سرمایه گذاری هاست که تا به حال چیزی حدود پنج هزار میلیارد تومان انجام شده و حدود دو سه هزار میلیارد در حال انجام است.

میدکو هم این گونه است، ارزش سرمایه گذاری میدکو هم حدود هشت تا ۹ هزار میلیارد تومان است البته میدکو فقط طرح فولادی ندارد، بلکه طرح لوله مسی در شهر بابک و کک سازی در زرنده را هم دارد که فکر می کنم نصف این سرمایه گذاری انجام شده است. مجموعاً حدود ۱۴ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان در استان کرمان برای طرح های فولادی پول می خواهیم که پول کمی نیست و بانک های ما شرایط مناسبی برای تامین این نقدینگی ندارند. می توانیم با فراهم کردن شرایط به سمت جذب سرمایه گذاری خارجی برویم.

جناب مهندس از نظر زیرساخت های لازم در استان کرمان چه شرايطی حاکم است؟

گلوگاه اصلی در این زمینه را حمل و نقل می دانم. از نظر برق چند پروژه نیروگاهی را داریم و از نظر تامین آب هم نگران نیستیم و در حال اجراء است. میدکو قرار دادی بسته است با فاضلاب کرمان تا آبی که برای فولاد احتیاج است را از تصفیه فاضلاب کرمان تامین کند که این اقدام خوبی است. در زمینه حمل و نقل هم پیگیری هایی در حال انجام است. این اتفاق ها اگر نیفتد توازن ایجاد نمی شود. در حمل و نقل هم آمیدی به توسعه جاده ای نمی توانیم داشته باشیم و باید توسعه حمل و نقل ریلی را جدی تر دنبال کنیم.

